

به هر روی نخستین اقدام مجلس دوم در راه اصلاح امور مالی با لشگر کشی روسیه - و البته با چراغ سبز انگلیس - به بن بست رسید!
آن ناکامی اما در حافظه‌ی ملی ایرانیان ماند؛ چنان که هر از گاه به مناسبتی از آن یاد می‌شد.
یکی از آن مناسبت‌ها را در مجلس ششم می‌توان یافت: باز هم سخن از اصلاح امور مالی بود که زمینه‌ای شد برای یادآوری داستان مستشاران آمریکایی!

تاریخچه‌ی مستشاران آمریکایی در ایران^(۱)

به قلم سید کاظم اتحاد

نطق دکتر مصدق در دفاع از دکتر میلیسپو

اکنون باید دید دولت آقای مخبر السلطنه وزیر مالیه آن مرحوم نصرت الدوله چرا اختیاراتی را که از میلیسپو دریغ کردند به مکاسکی دادند! چرا مدت اختیارات را ۵۱ روز کردند علت این بود که اولاً عناصر وطن پرست و اصلاح طلب از خدمات میلیسپو راضی بودند ثانیاً خود دولت نیز احساس می‌کرد که لغو کنترات میلیسپو بدون این که جانشینی برای او معین شود تمام امور مالیه را از هم خواهد پاشید: به نظر نصرت الدوله با تفویض این اختیارات به مکاسکی که نسبت به وزیر مالیه مطلع بود می‌تواند از تمام اختیارات استفاده نماید و بعد از هر روز ۵۱ روز دیگر اگر در اطاعت باقی ماند کنترات سه ساله او را به تصویب و الا او را هم روانه سازد وزیر مالیه یک تردستی دیگری به خرج داد همان روزی که استعفای میلیسپو رسید دستور داد خزانه کلیه پرداخت‌ها را معوق نماید و چون آن روز مصادف با روز آخر ماه بود و می‌بایستی حقوق ادارات پرداخت شود مجلس را در مقابل یک عمل انجام شده‌ای قرار دهد زیرا به این ترتیب مجلس نمی‌توانست این لایحه را رد کند.

جلسه اول مرداد مجلس

روز یکشنبه اول مرداد ۱۳۰۶ وقتی مجلس شورای ملی منعقد گردید مواجه با یک ماده واحده‌ای گردید که شاید پیش بینی آن را نمی‌کرد شاهزاده نصرت الدوله و کسانی که موافق با دکتر میلیسپو بودند وعده داده بود که دولت با وی مشغول حل اختلافات است؛ جلسه روز یکشنبه اول مرداد ۳۰۶ بر هیجان‌ترین جلسات دوره ششم بوده است به نظر طرفداران اصلاحات این جلسه بی‌شبهت به جلسه ۹ ذیحجه ۱۳۲۹ و اخراج شوسترن بود نهایت عوامل و کیفیات این دو جلسه با هم تفاوت داشت فرق دیگر قضیه در این بود که در جلسه ۹ ذیحجه نمایندگان متحد اولتیماتوم را رد کردند ولی در این دوره آن روح وطن پرستی و گذشت وجود نداشت و مرحوم نصرت الدوله عده زیادی از سرجنابانان مجلس را مطیع و موافق کرده بود.

جلسه مذکور در ساعت نه و نیم صبح به ریاست مرحوم موتمن الملک تشکیل شد پس از این که مرحوم یاسایی و مرحوم محمد هاشم میرزای افسر نطق‌های مختصری قبل از دستور کردند وزیر مالیه لایحه ذیل را تقدیم مقام ریاست نمود.

ساحت محترم مجلس شورای ملی چنان که خاطر نمایندگان محترم مستحضر است چندی قبل دولت مشغول مطالعه و مذاکره در تجدید کنترات رئیس کل مالیه بود چون قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ در بعضی قسمت‌ها و مواد کاملاً واضح و روشن نبود! چون در اجرای این قانون ترتیبی عمل می‌شد که در نظر هیأت دولت آن رویه کاملاً مطابق مفهوم و مدلول قانون مذکور نبود چون به تجربه مدلل شده بود وضعی که ناشی از ابهام قانون و یا تعبیرات و اثرات مترتبه برای آن تولید گردیده از نقطه نظر مصالح و مقتضیات مملکتی محتاج اصلاح است چون در کنترات دکتر میلیسپو حکمیت خاص برای رفع اختلافات بین دولت و مشارالیه در موضوع اختیارات و تطبیق رفتار مشارالیه یا قانون نیز مبانیست داشت و به علاوه از نقطه نظر حفظ اصول اساسی به هیچ وجه دولت نمی‌توانست مصدق چنین حکمیتی بشود لهذا پس از مذاقه و مطالعه کامل و با در نظر داشتن اصول مذکوره فوق دولت موادی برای کنترات جدید رئیس کل مالیه تهیه و به دکتر میلیسپو در تاریخ ۲۴ خرداد پیشنهاد نمود.

چنان چه آقایان محترم ملاحظه فرموده‌اند پیشنهاد دولت مبنی بر توضیح بعضی

مواد قانون ۴ اسد و تکمیل پاره‌ای نواقص بود که در عمل مشاهده و لزوم اصلاح آن محرز گردیده است پس از مدتی مذاکره و تبادل نظر با دکتر میلیسپو از طرف دولت تجدید نظر و بعضی اصلاحات در موارد پیشنهادی شده و در تاریخ ۲۸ تیرماه مجدداً به مشارالیه ابلاغ گردید البته آقایان آن مواد را نیز ملاحظه فرموده‌اند.

اخیراً از طرف دکتر میلیسپو جوابی مبنی بر عدم قبول خدمت ریاست کل مالیه با شرایط پیشنهادی رسیده و به این ملاحظه دولت ناگزیر از این است که در صدد برآید اشخاصی که از حیث اطلاعات و مقام خود لیاقت کامل اداره کردن امور مالی ایران را داشته باشند پیدا نماید. چون نیل به مقصد مذکور در فوق چند هفته فرصت لازم دارد و چون دولت معتقد نیست که فترتی در تربیت مقرر سابق را جمع به اداره کردن امور مالی مملکت پیش بیاید و از طرف دیگر چون به تصویب رسانیدن شرایط جدید کنترات که دولت برای ریاست کل مالیه در نظر دارد مستلزم مدتی وقت می‌باشد لذا در نظر گرفته شده است کفالت ریاست کل مالیه برای مدت ۵۱ روز که از کنترات مستر مکاسکی خزانه دار فعلی باقی مانده به مشارالیه محول گردد تا در خلال این مدت پیشنهاد قطعی خود را به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

نظر به مراتب فوق از ساحت محترم مجلس شورای ملی تقاضا می‌شود که با تصویب ماده واحد ذیل با قید دو فوریت اختیارات مقرر در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ به «مستر مکاسکی» برای مدت کفالت مشارالیه اعطا فرمایند.

ماده واحد - مجلس شورای ملی به دولت اجازه می‌دهد که مستر مکاسکی را به کفالت ریاست کل مالیه برقرار نماید مستر مکاسکی برای مدت پنجاه و یک روز دارای اختیاراتی خواهد بود که قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ برای رئیس کل مالیه سابق مقرر داشته است رئیس الوزراء مهدی قلی هدایت وزیر مالیه فیروز.

خوانندگان قضاوت می‌کنند که ماده واحد پیشنهادی درست مخالف مفاد مقدمه لایحه است زیرا در مقدمه دلایلی مذکور است که اختیارات میلیسپو تولید اشکال کرده و در ماده واحد تقاضا شده بود عین آن اختیارات به مکاسکی داده شود و وزیر مالیه با تمام عقل و تدبیر خود نتوانست دلیلی برای این تناقض پیدا کند.

نسبت به فوریت اول و دوم لایحه رای گرفته و به تصویب رسید. پس از این که آقای

دکتر مصدق به عنوان مخالف نطق مفصلی ایراد کرد که نکات حساس آن را در این جا ذکر می‌نمایم باید این نکته را برای خوانندگان روشن ساخت که در این جلسه مخالفین و موافقین با احتیاط صحبت می‌کردند. زیرا مخالفین را تهدید کرده بودند که این پیش آمدها موافق نظر مقامات عالیه پیش آمده است موافقین وزیر مالیه هم به واسطه محبوبیت دکتر میلیسپو در افکار عمومی و خدمات شایسته‌ای که در ظرف این مدت کرده بود جرأت نمی‌کردند صریحاً مخالفت نمایند.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند هیچ خوبی خالی از عیب نیست امور مالیه ما در تحت ریاست دکتر میلیسپو از پنج سال به این طرف رضایت بخش بوده است زیرا حقوق ادارات قبل از آمدن دکتر میلیسپو همه می‌دانیم به چه شکل در عهده تعویق می‌افتاد ولی حالا مرتباً در آخر هر برج تادیه می‌شود قبل از آمدن دکتر میلیسپو ممکن بود بعضی از اشخاص با وسایلی که داشتند در تادیه مالیات مسامحه نمایند ولی بعد از آمدن ایشان در این مسایل جاری نگرانی نبود یک انتظاماتی در باب وصول مالیات و پرداخت مخارج در مملکت فراهم شده و در حقیقت این انتظامات که عبارت از پرداخت مالیات و تادیه حقوق ادارات بود یک احساسات اداری برای میسیون مالی فراهم کرده بود مردم رفته رفته عادت کرده بودند که مالیات بپردازند و اصول مسامحه کاری که قبل از آمدن ایشان معمول بود می‌رفت تکرار نشود معذالک اختیارات دکتر میلیسپو دو قسمت بود اختیارات مالی و اختیارات سیاسی من همیشه با اختیارات سیاسی مشارالیه مخالف بودم زیرا هر وزیر مالیه‌ای که با او موافق نبود باید برود چنانچه بعضی از وزرای مالیه از او تصدیق می‌گرفتند «اشاره به آقای بیات است» و روی این زمینه با نظریات شاهزاده وزیر مالیه موافقت کردم اما حالا معلوم می‌شود که این موافقت من خوش باوری بوده زیرا اگر اختیارات همان است که بودجه تفاوتی حاصل می‌شود و اگر اختیارات آن نیست چرا لایحه را روی همان اختیارات می‌آورید؟ پس معلوم می‌شود شما با دکتر میلیسپو غرض داشتید که این همه دعوا و مرافعه سر اختیارات می‌کردید آن ماده چنین است ماده ۸ فلان و ماده ۹ طور دیگر باید بشود: اینها تمام صحبت بود حقیقتاً خیلی خوش باور بودیم که فرمایشات حضرت والا را قبول می‌کردیم (خننده نمایندگان) حالا من می‌خواهم خوش باور نباشم در بعضی

جلسات در این مورد که مذاکره می‌شد گفته می‌شد که علی‌رغم نصرت الدوله با میلیسپو باید موافقت کرد من می‌گفتم که نصرت الدوله خدای نکرده بعد باید دید چه می‌گوید؟ در روی این اصل باید دید که نصرت الدوله بعد از این مدت یک کار خوب کرده است. ما هم گفتیم خیلی خوب اما حالا می‌بینیم ایشان ما را اغفال کرده‌اند و می‌خواهند با همان حسن ظن این ماده را بگذرانند. یا باید گفت از آن عقیده‌ای که داشته‌اند عدول کرده‌اند. حقیقتاً شما می‌گویید خودتان صلاحیت ندارید از وزارت مالیه استعفا بدهید من اشخاصی را می‌شناسم که در وزارت مالیه هستند و خیلی خوب استعداد لیاقت اداره کردن امور را دارند و همچنین اشخاصی را می‌شناسم که در منزل‌های شان نشسته‌اند و منتظرند کاری به آنها رجوع شود تا با لیاقت خودشان آن را انجام دهند. شما آن وقت می‌گویید چون من به خودم عقیده ندارم استعفا می‌دهم و می‌روم و تشریف می‌برید آن وقت آقای رئیس الوزراء هم کابینه را ترمیم می‌کند و دیگری را که در خودش صلاحیت اداره کار را می‌بیند می‌آورند و اگر به خودتان عقیده دارید که تجدید همان اختیارات که با آن مخالف بوده‌اید برای یک چنین آدمی که اگر دکتر میلیسپو را با (مکاسکی) مقایسه کنند من دکتر را با همه لجاجتش ترجیح می‌دهم موضوع ندارد و برخلاف عقیده‌ای است که اظهار داشته‌اید بنابر این عقیده دارم که این ماده چیز بی‌ربطی است این نطق مخالف‌آمیز پرده از روی مقاسد شاهزاده وزیر مالیه و هم فکرهای ایشان برداشت در جواب نطق فوق شاهزاده نطقی کرد که خلاصه آن به قرار ذیل است.

«اما در اصل موضوع نمی‌دانم آقای دکتر مصدق گاهی خودشان دقت می‌فرمایند که اظهارات ایشان در ضمن شوخی گاهی زندگی هم دارد؟ موضوع عقیده و اختیارات ما بین بنده و ایشان مفصلاً بحث شده است ایشان می‌دانند که بنده با این اختیارات از اول مخالف بودم!!! ممکن است من یک قسمت را خوب بدانم خودشان هم تفکیک کردند و اختیارات را دو شکل گفتند سیاسی و اداری ما باید اگر مستخدمی از خارج می‌آوریم تا وقتی احتیاج به وجود او داریم در کارهای اداری اختیاراتی به او بدهیم تمام اینها صحیح است ولی در همان قسمتی که معترض بودم حالا هم هستم ولی تمنا و

استدعایی داشتم که آقایان دقت فرموده‌اند که همه وی آن اصل اساسی می‌رفت که اختیارات زاید از بین برود و امروز برای یک وقت موقتی کفالت کار از اول مرداد پیشنهاد شده است که بخشی واگذار شود که از امروز کارها فلج نماند! و تغییر صورت قطعی بدون مطالعه و دقت داده نشده باشد و هیچ راهی غیر از این نبود که شخصی را به این کار بگماریم که این مدت که از عمر طبیعی این قانون باقی مانده است در کار باشد تا ما بتوانیم در این مدت کارمان را تمام کنیم و یک کنترات صحیحی تهیه نموده تقدیم مجلس داریم که پس از مذاکرات و مذاقه کامل تصویب شده و به موجب آن شخص عالی مقامی کنترات شود به علاوه اصل موضوع مخالفت بنده و هیأت دولت اعتراض اصل به موضوع حکمیت بود.

آقای دکتر مصدق بهتر می‌دانند که هیچ ذکری از حکمیت که معایب و مفاسد بزرگ این تجاوزات روی همان بود در قانون چهارم اسد نیست. در آن قانون هم موادی هست که خوب نیست و اگر ما امروز بخواهیم وقت مجلس را صرف اصلاح مواد آن بکنیم وقت را فوت می‌کنیم که در این مدت بتوانیم با دیگری مذاکره کنیم و کارهای مالیه هم فلج نمی‌ماند! ما در این مدت ۵۰ روز ممکن است قانون را بگذرانیم و اصلاح کنیم. و فعلاً با گذشتن این مدت معایبی که در قانون نیست و در کنترات هست از بین می‌رود. اگر این عقیده وجود دارد که ما فعلاً احتیاج نداریم آن حرفی است علیحده ولی وقتی عقیده اکثریت و دولت این است که لازم است متخصص آورد به متخصص حسابی باید اختیارات حسابی داد این عقیده من و دولت و اکثریت است و با این عقیده باید فکر کرد که مجری این عقیده طرف متقابل است و باید فکر او را هم بگیریم.

این دلایلی بود که هیأت دولت را وادار به پیشنهاد این ماده کرده که ۵۰ روز به انقضای آن قانون مانده است (مکاسکی) را بگذاریم و در این مدت هم خودمان را معطل نکنیم و بگذاریم این قانون چند صباحی هم ادامه داشته باشد و این مذاکرات را در اصل قانون وقتی به مجلس می‌آید بکنیم. عجلتاً خوب است این لطف و محبت نسبت به من بشود که در این عقیده نه ایشان خوش باور هستند نه من سست عقیده و رضایت نامه بگیریم هم نیستیم که برای آن تغییر عقیده بدهم!